

مجله پژوهش‌های اسلامی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷

## نحله کوثر

«جستاری در باب وجوه بلاغی خطبه فدک»\*

دکتر محبوبه مباشری

عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء (س)

### چکیده

درفراخنای تاریخ اسلام از صدر تا کنون خطبه فدک - که سند مظلومیت فاطمه - سلام الله علیها - و خاندان پیامبر، بل اثبات اعتقاد شیعه به خلافت به حق و امامت بلافضل علی - علیه السلام - است - از سوی علمای امامیه و نیز عامه نقل شده و از دیدگاه های مختلف از جمله سلسله اسناد و روایات ، وجوه مختلف لغات ، شرح مضامین و تفسیر عبارات ، مورد تدقیق قرار گرفته است .

در این مقاله ، خطبه فدک از چشم انداز زیبایی شناسی (علم الجمال ) مورد بررسی قرار گرفته و وجوه گوناگون بلاغت و فصاحت - که کلام حضرت مشحون از آن است - مورد نظر بوده است و فرض بر این است که مخاطب، خطبه حضرت را پیش روی داشته و با معانی آن آشنایی و با عبارات آن انس و الفت داشته باشد ، از این رو متن کامل خطبه ذکر نشده است .

امید است که این بررسی - که شاید از نخستین گام ها در جهت زیبایی شناسی کلام حضرت است - مقدمه ای باشد در ایجاد دواعی صاحب نظران علوم بلاغی و علمای آشنا به لغت عرب تا پژوهش های بلیغ تر و موثرتری را در این زمینه انجام داده و حق مطلب را در این خصوص ادا کنند.

### واژگان کلیدی

خطبه فدک ، زیبایی شناسی ، بلاغت و فصاحت ، کنایه ، استعاره ، تشبیه ، سجع ، ترصیع.

\* تاریخ دریافت مقاله : ۸۷/۶/۱۲ تاریخ پذیرش : ۸۷/۱۱/۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: [m.mobasheri\\_ir@yahoo.com](mailto:m.mobasheri_ir@yahoo.com)

۱- نحلۂ کوثر<sup>۱</sup>

فدک نحلۂ پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - است به ریحانه خویش و خطبه فدک نحلۂ بضعه اوست، به ابنای روزگار بل به همه قرون و اعصار.

اگرچه این خطبه - که از سوی علمای امامیه و نیز بسیاری از علمای عامه مورد وثوق است - یگانه میراث گرانهای فاطمه - سلام الله علیها - نیست، اشتمال آن به رموز دقایق دین و اسرار نکات یقین از سویی و بلاغت و فصاحت اعلی درجه آن از سوی دیگر، برای اثبات علو شان و عظمت مقام دخت نبوت، همسر ولایت و ام امامت بسنده است؛ همچنانکه صاحب کشف الغمه می گوید:

" خطبه فاطمه - سلام الله علیها - چون از بدایع و محاسن خطب است و در آن مسحه ای از نور نبوت و عقبه ای از ارج رسالت است، آن را موافق و مخالف ذکر کرده ... " (مدرس وحید، ۱۳۴۸، ص ۱۶).

از آنجا که خطبه و خطابه در زمره انشاء است و انشاء در لغت به معنی ایجاد کردن و ابتدا کردن بالبداهه و نوعی آفرینش کلامی بدون الگوی پیشین است، از این روست که اهمیت کلام حضرت آشکار می گردد؛ زیرا که ایشان نه به قصد ایراد خطابه در مجمع فصحا و بلغا و نه از روی مسوده از پیش تهیه شده، بلکه صرفاً به منظور احقاق حق مسلم خویش - که همانا احقاق وصایت و دفاع از حریم امامت و ولایت است - بالبداهه و بی هیچ زمینه قبلی خطبه خود را ایراد فرمودند. شگفتی در این است که این سخنان از سوی کسی بیان می شود که در هیچ مکتب رسمی تلمذ نکرده و هم اوست که در جواب پرسش پیامبر " بهترین ها را برای زن، آن می داند که نه او مرد بیگانه ای را ببیند و نه مرد بیگانه ای او را. " لکن چون زبان به سخن می گشاید، چونان سخنوری بلیغ و خطیبی ماهر، نه تنها به شیوه فصحا شروط فصاحت را رعایت می کند، که شرط بلاغت را، اقتضای حال مخاطب و مناسبت مقام را می داند و ابتدا مخاطبین مجلس را آماده دریافت کلام خویش می سازد و آنگاه خطابه را آغاز می کند. چنانکه در روایات منقول است که ابتدا حضرت ناله جانسوزی سردادند که در اثر آن صدای حاضرین به گریه بلند شد، سپس مهلت دادند تا مردم آرام شدند. " فلما امسکوا عادت فی کلامها " پس هنگامی که مردم آرام گرفتند، آن حضرت سخن خود را با حمد و سپاس نعم الهی آغاز کردند و یا در بخشی از خطبه که در توییح انصار است، اقتضای حال را - که سیاق توییح و سرزنش است - لحن کلام تند و خشن است.

خطابه فدک از چشم انداز ادبی، نثر موزونی است که وزن آهنگین آن از مترادفات لغات - که موجب نوعی موسیقی درونی است - و سجع های فراوان - که باعث ایجاد موسیقی کناری است - ماخوذ است و شعر منثوری است مشحون از تضمین آیات و سرشار

از استشهادات و تلمیحات به آیات و روایات، تمثیل و کنایات و تشبیهات و استعارات که در علم الجمال (زیبایی‌شناسی Esthetics) در زمره آرایه‌های ادبی به شمار است. این مقدار کاربرد تشبیه و استعاره و استفاده از کنایه و تلمیح و نیز بهره‌گیری از موسیقی درونی و بیرونی، خطبه فدک را در ردیف کلام‌های مقدس چون تورات، قرآن و ... قرار داده چه یکی از ویژگی‌های کلام مقدسین و نیز کلام الهی سرشار بودن از برجستگی‌های زبانی است - که مهم‌ترین مصداق آن همان استعاره تبعیه در مصطلحات بلاغی است؛ یعنی استعاره در فعل یا استعمال فعل در معنای غیرما وضع له - ولغات مترادف - با اختلافات ظریف معنایی - که به لحاظ انتقال احساس و عاطفه و شدت و ضعف تاثیرگذاری با هم مختلف اند.

زیبایی‌ها و ظرافت کلام فاطمه در خطبه فدک منحصر به آرایه‌های ظاهری نیست، بلکه ظرافت و نکته‌سنجی، در گزینش لغات به ظاهر مترادف با توجه به تفاوت معانی آنها در مواضع مختلف کلام، اعجاب برانگیز است، از آن نمونه است کلمات حمد، شکر و ثنا در آغاز خطبه که علی‌رغم ترادف معنای ظاهری برای فعل خاص مورد نظر بوده است، به گونه‌ای که امکان جابه‌جایی و تغییر آنها با یکدیگر وجود ندارد و هرگونه دخل و تصرفی در این مورد، به شیوایی کلام و زیبایی و ظرافت سخن آسیب می‌رساند.

نیز به خاطر داشته باشیم که خطبه فدک در جمع عرب ایراد شده است. آن عربی که در جاهلیت گفتار بلیغ را می‌شناخته و به آوردن کلام فصیح و بلیغ توانا بوده و شعرا و کتاب و خطبای خود را به زبان آوری و آشنایی با فنون مختلف بلاغت می‌ستوده است و پیشینه تشکیل سوق عکاظ در مکه و مسابقه دادن شعرا با یکدیگر در فصاحت و زبان آوری و آویختن معلقات سبعة و یا عشره را بردیوار کعبه در ذهنیت خویش داشته است. در چنین شرایطی، ایراد خطابه فدک آن‌چنان اعجاب‌خیز را بر می‌انگیزد که آن را خارج از قدرت یک زن و انشای دیگری می‌خواند که شبانه وی را تعلیم داده است: " فقال الملعون دعوها فانها معلمه ... " عمر گفت: او را ترک کنید، زیرا شبانه این حرف‌ها را علی‌تعلیمش داده است.

(حسینی، زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲).

و نیز در بلاغت آن‌چنان است که در زمره خطابات بلیغ در کتاب " بلاغات النساء " ابوالفضل احمد بن طاهر از دانشمندان عصر مأمون ذکر شده است.

آری فاطمه - سلام الله علیها - پرورده‌ی دامان پیامبری است که هرچند امی است، در مقابل عرب جاهلی آشنا به فنون بلاغت و فصاحت، پس از نزول آیاتی از قرآن، آنان را به نظیره‌گویی فرا می‌خواند و از ایشان درمی‌خواهد که اگر می‌توانند نظیر قرآن کتابی

یا ده سوره و یاحتی سوره ای بیاورند. (اسراء / ۸۸، هود / ۱۳، بقر / ۲۳) چون خصم در می ماند، وی را ساحری عظیم و کلامش را سحرمین می نامند و همسرافصح العرب است. همان که کلامش را فوق کلام مخلوق ودون کلام خالق نامیده اند. (به نقل از مقدمه نهج البلاغه تصحیح صبحی صالح). وخطابه هایش را شیوه بلاغت خوانده اند و دخت او زینب - علیها السلام - درسخت ترین شرایط روحی و جسمی درقلب پایگاه دشمن چو لب به سخن می گشاید وخطابه های آهنگین علی - علیه السلام - را فرا یاد می آورد و خطابه غزای آتشینش لرزه بر بارگاه ستم می افکند. او عالمه غیر معلمه و فهیمه غیر مفهمه است و به سبب احاطه ی وسیعش به کلام الهی به شریکه القرآن لقبش داده اند و به دلیل ارتباط با وحی الهی محدثه اش نامیده اند.<sup>۲</sup>

از آنجا که لفظ و معنی دوروی یک سکه اند، نمی توان آنها را ازهم جدا کرد و به عبارت دیگر، بین ذهن و زبان رابطه مستقیمی است.

لفظ و معنی را به تیغ از یکدگر نتوان برید

کیست صائب که کند جانان و جان ازهم جدا

(صائب تبریزی، ۱۳۶۱، ص ۴۶)

لذا گروهی از سبک شناسان معتقدند که ازراه شناخت آثار و دریافت مختصات و ویژگی های اثر به ذهن و روان گوینده آن می توان پی برد. به عبارت دیگر، هر اثری به نوعی معرف شخصیت صاحب اثر است. زیرا هرگوینده و یا صاحب اثر دارای نوعی نگرش خاص (جهان بینی) است که به بیان خاصی جلوه گر می شود و گوینده برای ابراز مافی الضمیر به گزینش و انتخاب واژگان و عبارات می پردازد که گاه این گزینش ها ناآگاهانه و ناخود آگاه است و هرچه ناخود آگاه باشد، بیشتر Expressive یعنی بیانگر و پرمعنی و رساست و جنبه های روانی و اجتماعی را نشان می دهد. (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۲۶).  
"در آثار هنرمندان بزرگ معمولاً با زیباترین و به جاترین و موثرترین و بلیغ ترین گزینش ها مواجهیم وانتخاب ها جنبه هنری و سبک آفرینانه دارند. (شمیسا، همان).

گاه نیز دراینگونه آثار خلاق ادبی با عدول ازهنجارهای عادی زبان مواجهیم، عدول از هنجار و یا خروج از نرم عادی زبان (Deviation of the Noum) درکتب مقدس مذهبی و نیز آثار خلاق ادبی بسیار است که باعث تمایز سبکی آنان شده، تاثیر بلاغی آنها را شدت می دهد. استعمال واژه خصوصاً صفت یا فعل به طرز غیر مترقبه درجایی که به هیچ وجه انتظار آن نمی رود وقابل پیش بینی نیست، اینگونه خروج از قوانین دستوری نه تنها غلط نیست، بلکه عین فصاحت و بلاغت است. (پیشین، ص ۳۷). درخطبه فدک نیز چونان دیگر کلام مقدسین نمونه هایی از خروج از معیار عادی زبان - که عین فصاحت و بلاغت است - دیده می شود، که نمونه هایی از آن درجای خود خواهد آمد.

کوتاه سخن آنکه در این پژوهش، خطبه حضرت زهرا - سلام الله علیها - از دیدگاه زیبایی‌شناسی ظاهری وجوه بلاغت و فصاحت کلام - مورد بررسی قرار گرفته است، بی آنکه نگارنده ادعای استقصای کامل آن را داشته باشد - چه از عهده بضاعت مزاج او خارج است. - نیز در این وجیزه قصد آن نیست تا اختلافات ظریف معنای مترادفات لغات و دیگر مباحث لغوی و صرفی و نحوی بررسی شود، زیرا از حوصله این مقال بیرون است و این امر بر عهده فصحای مبرز در لسان عرب و انهاده شد تا با همت‌های عالی و افهام دقیق و باریک، ابطان گوناگون کلام شریکه القرآن را بنمایانند.

نیز از آنجا که انتظار می‌رود مخاطبین این پژوهش با متن خطبه آشنایی و یا دست کم به آن دسترسی داشته باشند، پرهیز از اطناب را از ذکر متن کامل خودداری و تنها به نقل بخش‌های مورد نظر اکتفا شد.

شیوه بحث در مباحث رتوریک Rhetoric (معانی و بیانی) در این پژوهش چنان است که ابتدا بخش‌هایی از خطبه که به لحاظ مسایل درونی مورد نظر است، نقل و سپس، نکات بدیعی و بیانی آن نموده می‌شود و برای روشن شدن مطلب نکات بدیعی و بیانی آن توضیح داده می‌شود.

## ۲- تحلیل بلاغی خطبه

واینکه خطبه فدک که با شکر نعمت‌های خداوند آغاز می‌شود.

"الحمد لله على ما انعم

وله الشكر على ما الهم

والتنأ بما قلدّم"

الف - سجع<sup>۳</sup> در کلام

آوردن ما انعم، ما الهم و ما قلدّم که هم وزن و هم قافیه اند، در این بخش از کلام نوعی سجع ایجاد کرده اند که به آن "سجع متوازی" می‌گویند و باعث آهنگین شدن کلام از طریق موسیقی کناری شده اند.

## ب - تلمیح<sup>۴</sup>

در "وله الشكر على ما الهم" به آیه شریفه "فالمهما فجورها و تقویها" شمس ۸/

من عموم نعم ابتدأها

و سبوغ آلاء اسداها

و تمام منن او لاهها

ج : موازنه و مماثله<sup>۵</sup>

در آوردن کلمات : عموم و سبوغ ، نعم و منن ، أسداها و اولاء ها که از طریق ایجاد موسیقی کناری و درونی کلام را آهنگین و موزون ساخته اند .

جم عن الاحصاء عددها

ونای عن الجزاء أمدھا

و تفاوت عن الادراك ابدھا

**الف : سجع** در عدد ، أبد و آمد

**ب : تلمیح** در " جم عن الاحصاء .... به آیه شریفه " و ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها

" ابراهیم ۳۴/

**ج : تضاد** در " أبد و آمد " .

... ضمن القلوب موصولها

و انار فی التفکر معقولها

- سجع در موصول و معقول

الممتنع من الابصار رؤيته

ومن الالسن صفتھ

و من الاوهام کیفیتھ

**الف : سجع** مطرف در رویت ، صفت و کیفیت

**ب : مراعات النظیر** در ابصار ، السن و اوهام .

کونها بقدرته و ذرأها بمشیتھ ...

- موازنه و مماثله در " کون و ذرأ " ، و نیز در " بقدرته " و " بمشیتھ "

الا تثبتاً لحکمتھ

و تنبیهاً علی طاعته

و اظهاراً لقدرته

**الف - موازنه و مماثله** در تثبتاً ، تنبیهاً و اظهاراً و نیز حکمتھ ، طاعته و قدرته .

**ب - تلمیح** . " اظهاراً لقدرته " تلمیح دارد به حدیث قدسی " کنت کنزاً مخفياً

فأحبت ان اعرف ... "

و تعبداً لبریتھ

و اعزازاً لدعوته

**الف : سجع** مطرف در لبریتھ و لدعوه

**ب : تلمیح** در " تعبداً لبریتھ " به آیه کریمه " و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون "

الذریات ۵۲/

ثم جعل الثواب علی طاعته

و وضع العقاب علی معصيته  
**الف** : ترصیح<sup>۷</sup> در قرینه ها : جعل و وضع ، الثواب و العقاب ، علی طاعته و علی معصيته .

**ب** : تضاد در ثواب ، عقاب و نیز طاعت و معصیت .

اختاره و انتجه قبل ان ارسله

و سماه قبل ان اجتباه

و اصطفاه قبل ان ابتعثه

**الف** : موازنه و مماثله در انتجه و ابتعثه .

**ب** : اشتقاق در انتجه و اجتباه .

**ج** : تلمیح به آیه کریمه " و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمه احمد " صف / ۶

ثم قبضته الله الیه قبض

رأفه واختیار

ورغبه و ایشار

**الف** : اشتقاق در قبضته و قبض .

**ب** : مماثله در رأفة و رغبه .

فمحمداً (صلى الله عليه و اله و سلم) من تعب هذه الدار فى راحة.

**الف** : تضاد میان تعب و راحت .

**ب** : استعاره مصرّحه در " الدار " که استعاره از دنیا است .

قد حف بالملائكة الابرار

و رضوان الرب الغفار

و مجاوره الملك الجبار .

**الف** : سجع میان ابرار و غفار و جبار .

**ب** : جناس شبه اشتقاق میان ملائکه و ملک .

**ج** : واج آرایی " ب " در ابرار ، جبار ، رب و بالملائکه و " ف " در حف و غفار و نیز

" ر " در ابرار ، رضوان ، رب ، غفار ، مجاوره و جبار .

د : استعاره در " الملك الجبار " که استعاره مصرّحه از خداوند است .

صلى الله على ابي ، نبيّه

و امينه على الوحى و صفيّه

و خيرته من الخلق و رضيّه .

**الف :** سجع در نبیه ، صفییه و رضیهه .

**ب :** واج آرایی "ص" در صلی الله و صفییه ونیز "خ" در خلق و خیرته و "ی" در امینه و نبیه و اُبی ، وحی ، صفییه و خیرته و رضیهه .

انتم عباد الله ! نصب امره و نهیهه  
و حمله دینه و وحیهه .

**الف :** التفات<sup>۹</sup> در انتم عباد الله .

**ب :** سجع در نهیهه ، دینه و وحیهه .

**ج :** مجاز<sup>۱۰</sup> در نصب (= هدف و مقصد برجسته).

**د :** استعاره در جمله ، که مراد مسلمانان ، حاملان دین و وحی اند که به راستی دین سنگین و مسئولیت دار است .

و زعمتم حق لکم

و لله فیکم عهد قدمه الیکم

و بقیه استخلفها علیکم .

**الف :** سجع میان لکم والیکم و علیکم .

**ب :** واج آرایی "ق" در حق ، قدمه و بقیه و نیز "م" در زعمتم ، لکم ، الیکم ، فیکم ، قدمه و علیکم و نیز "ک" در لکم ، فیکم ، الیکم ، علیکم .

**ج :** تلمیح به حدیث ثقلین " انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی " و نیز آیه شریفه " قل لا اسئلكم علیه اجرأ الا الموده فی القربی " شوری ۲۳/ در " والله فیکم عهد "

کتاب الله النطاق و المطالعات فریبگی

و القرآن الصادق

و النور الساطع

و الضیاء اللامع .

**الف :** سجع در ناطق و صادق و ساطع و لامع .

**ب :** تناسب در نور ، ضیاء ، لامع و ساطع ، و نیز کتاب و قرآن که هر دو اسم مجموعه و حیند .

**ج :** واج آرایی "ق" در ناطق ، قرآن ، صادق ، و "ط" در ناطق و ساطع .

بینه بصائره

منکشفه سرائره

منجلیه ظواهره .

**الف :** سجع در بصائر و سرائر و ظواهر .



**ب:** مماثله و موازنه در منکشفه و منجلیه و بینّه.

**ج:** تضاد در سرائر و ظواهر .

معتبطه به اشباعه

قائد الی الرضوان اتباعه

مؤد الی النجاه استماعه .

**الف:** سجج در اشباعه و اتباعه و استماعه.

**ب:** واج آراییه همزه (ء) در اشباع ، استماع ، اتباع ، قائد و مؤد و نیز "ع" در اشباع و

اتباع و استماع.

**ج:** تشخیص (Personification) با شخصیت‌انگاری "درقائد" (گویی قرآن

رهبری است که پیروانش را به رضوان یا بهشت خدا هدایت می‌کند .)

به تنال حجج الله المنوره

و عزائم المفسره

و محارمه المحذره.

**الف:** سجج در منوره ، مفسره ، محذره.

**ب:** موازنه در عزائم و محارمه.

**ج:** واج آراییه "م" در منوره ، مفسره ، محذره ، محارمه ، عزائم ، و "ح" در حجج ،

محارم و محذره .

و بیناته الجالیه و براهینه الکافیه.

**الف:** سجج در جالیه و کافیه .

**ب:** تناسب میان بینات و براهین.

وفضائله المندوبه

و رخصه الموهوبه

و شرایعه المکتوبه.

**الف:** سجج میان مندوب ، موهوب و مکتوب.

**ب:** موازنه در فضائله و شرایعه .

**ج:** تناسب میان مندوب و مکتوب (مستحب و واجب).

**د:** مجاز در شرایع (مجاز از دین و شریعت الهی).

فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك

و الصلوه تنزيهاً لكم عن الكبر

و الزكوه تزكیه للنفس و نماءً فی الرزق .

**الف :** موازنه و مماثله در شرک و کبر و رزق و نیز میان تطهیر و تنزیه و نیز صلوه و زکوه.

**ب :** تضاد میان ایمان و شرک.

**ج :** تناسب میان صلوه و زکوه و نیز تطهیر و تنزیه و تزکیه.

**د :** اشتقاق میان زکوه و تزکیه.

**ه :** واج آرایی " ز " در تنزیه ، زکوه ، تزکیه و رزق و " ت " در تطهیر ، تنزیه ، زکوه ، تزکیه و صلوه و " ک " در لکم ، شرک ، کبر ، زکوه ، تزکیه

و طاعتنا نظاماً للمله

و امامتنا اماناً من الفرقة .

**الف :** موازنه و مماثله در طاعتنا ، امامتنا و نظاماً و اماناً و مله و فرقه .

و الجهاد عزاً للإسلام و ذلاً لاهل الکفر و النفاق.

**الف :** تضاد میان عز و ذل و نیز اسلام و کفر و نفاق.

**ب :** مجازدر کلمه اسلام (که مراد از عزت اسلام، سربلندی مسلمین است، اهل اسلام .)

**ج :** واج گرایی " ل " در للإسلام ، ذل ، لاهل ، الکفر.

والصبر معونة علی استیجاب الاجر.

که تلمیح دارد به آیه شریفه " ولنبلوَنکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين " بقره / ۱۵۵ .

و القصاص حقناً للدماء

که تلمیح دارد به آیه شریفه " ولکم فی القصاص حیوه یا اولی الباب .. " بقره / ۱۷۹ .

... " فانه انما یخشی الله من عباده العلماء " فاطر / ۲۸ .

- تضمین آیه شریفه قرآن (سید محمد راستگو ، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، ص ۳۰) .

.... اقول عوداً و بداءً و لأقول ما أقول غلطاً او ما افعال شططاً .

**الف :** موازنه و مماثله میان : لأقول و لأفعل ، ما أقول و ماأفعل و غلطاً و شططاً .

**ب :** واج آرایی " ط " در غلطاً و شططاً .

**ج :** تکرار <sup>۳</sup> به جهت تاکید در أقول .

**د :** تضاد میان عوداً و بداء .

... لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم " .

- تضمین آیه شریفه قرآن ، توبه / ۱۲۸ .

فان تعزوه و تعرفوه و تجدوه

- ابی دون نسائکم  
و اخا ابن عمی دون رجالکم.  
**الف** : موازنه میان تعزوه و تعرفوه و تجدوه.  
**ب** : تناسب میان اُبی و اُخا و ابن عمی ، نیز میان نساء ، رجال.  
فبلغ الرساله صادعا بالنداره .  
**الف** : سجع در رساله و نذاره.  
**ب** : مجاز ز در صادعاً (= در لغت به معنی شکافتن است ، از باب اینکه آن سکوت را می شکند و چیزی اظهار می شود که جو غالب را دگرگون می کند ) مجاز به علاقه سببیت است .  
ضارباً ثبجهم ، آخذاً بأکظامهم.  
الف : موازنه در ضارباً و آخذاً .  
**ب** : مجاز در ثبجهم (= میان پشت و کتف ، کمر و اکظامهم (= گلو ، دهان ) مجاز جزء و کل (زیرا جزء را گفته و کل وجود را اراده کرده است).  
داعیاً الی سبیل ربه بالحکمه و المواعظه الحسنه.  
اقتباس و تضمین آیه شریفه (ادع الی سبیل ربک بالحکمه و المواعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن ) نحل / ۱۲۵.  
یکسر الاصنام و ینکت الاصنام و الهام .  
- ترصیع در کلام : میان یکسر و ینکت و الاصنام و الهام .  
- کنایه<sup>۴</sup> در الهام (الهام جمع هامه ، سراسر است که در اینجا به معنی بزرگان قوم است).  
حتی انهزم الجمع و ولو الدبر.  
کنایه در ولو الدبر (= پشت برگرداندند ، کنایه از شکست خوردن است).  
حتی تفری اللیل عن صبحه .  
**الف** : استعاره تبعیه در تفری (= شکافتن ) ، معنای کلام آن است که تا اینکه شب صبح را شکافت .  
**ب** : استعاره مصرحه در " لیل " و نیز " صبح " (شب استعاره از شرک و ظلم و کفر ... و صبح استعاره از حق و عدل ... است).  
و نطق زعیم الدین و خرس شقاشق الشیاطین .  
**الف** : موزانه و مماثله میان نطق و خرس نیز میان الدین و شیاطین.  
**ب** : کنایه در شقاشق (شقاشق جمع شفشقه آنچه شتر مست از دهان بیرون می ریزد ) کنایه از سخوری است .

- ج** : تضاد میان نطق و خرس (= سخن گفت و لال شد).  
و طاح و شبظ النفاق  
وانحلت عقد الكفر و الشقاق.  
**الف** : تناسب میان کفر و شقاق و نفاق .  
**ب** : تضاد میان انحلت و عقد (بازشدن و گره).  
**ج** : واج آرای " ق " در عقد ، شقاق نفاق که به موزونیت کلام افزوده است .  
**د** : استعاره مرکب ( یا استعاره تمثیله ) در کل جمله ، بازشدن گره های کفر و شقاق و نفاق یعنی نابودی جبهه مشرکین و منافقین متحد کفار و مشرکین و منافقین در مقابل پیروزی اسلام.  
مجاز در نفاق (نفاق را گفته و منافقین را اراده کرده است).  
و فهمتم بکلمه الاخلاص  
...فی نفر من البيض الخماص .  
**الف** : سجع در اخلاص و خماص .  
**ب** : واج آرای " ف " در فهمتم و فی و نفر .  
**ج** : کنایه در جمله فی نفر من البيض الخماص (در میان گروهی از انسان های سفید روی آبرومند شکم خالی ) که کنایه از اهل ورع و تقوی است .  
الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً .  
اقتباس و تضمین آیه تطهیر " انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً " احزاب / ۳۳ .  
و کتتم علی شفا حفرة من النار .  
**الف** : تضمین آیه شریفه آل عمران / ۱۰۳ .  
**ب** : کنایه در خود آیه شریفه (و شما بر لب پرتگاه جهنم (حفرة آتش) بودید، مراد آن است که در جاهلیت و بت پرستی و بدبختی بودید و اگر پیامبر نیامده بود و نجات نمی یافتید، در آتش جهنم سقوط می کردید.  
مذقه الشارب و نهرة الطامع  
و قبه العجلان و موطی الاقدام .  
**الف** : ترصیع در مذقه و نهرة و شارب و طامع .  
**ب** : سجع میان عجلان و اقدام .  
**ج** : کنایه در هر چهار جمله : مذقه الشارب = محل چشیدن تشنگان بودید و نهرة الطامع = محل فرصت طمعکاران بودید و قبه العجلان = محل اقتباس آدم های شتابزده و عجول

بودید و موطنی الاقدام = لگد کوب پای‌ها بودید. مراد از همه اینها، حقارت و پستی و مذلت در برابر قدرت‌های بزرگ عصر است.

تشریبون الطرق.

و تفتاتون القد و الورق.

**الف:** سجج میان طرق و ورق.

**ب:** واج آرایبی "ق" در طرق، ورق، قد و تفتاتون و "ت" در تشریبون، تفتاتون.

**ج:** کنایه در القد (= پوست بز دباغی شده) که کنایه از اشیای پست و کثیف است. اذله خاسئین.

**الف:** تناسب میان اذله و خاسئین (خوار و ذلیل).

**ب:** کنایه در خاسئین (= رانده شده) کنایه از مطرود بودن است.

**ج:** تلمیح به آیه شریفه "کونوا قرده خاسئین".

تخافون ان یتخطفکم الناس من حولکم.

**الف:** واج آرایبی "ح" و "ت" و "ف".

**ب:** اقتباس از آیه شریفه "و اذکروا اذ انتم قلیل مستضعفون فی الارض تخافون ان یتخطفکم الناس فأواکم و ایدکم لنصره و رزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون" انفال/ ۲۶.

بعد اللتیا و التی و بعد ان منی بهم الرجال.

ارسال مثل<sup>۱۵</sup> در "بعد اللتیا و التی".

... و ذؤبان العرب.

تشبیه بلیغ<sup>۱۶</sup> در ذوبان العرب (= گرگ‌های عرب) حضرت، اعراب را به لحاظ درنده خوویی به گرگ تشبیه کرده اند.

... کلما أوقدوا نارا للحرب، أطفأها الله.

**الف:** تضاد میان اوقدوا (= برافروختن و روشن کردن) و اطفأها (خاموش کردن).

**ب:** تناسب میان اوقدوا و ناراً.

**ج:** تشبیه بلیغ در ناراً للحرب (آتش جنگ، جنگ به آتش شعله‌ور تشبیه شده است و وجه شبه آن سوزاندگی و نابودگری و هلاکت است).

أو نجم قرن الشیطان ...

**الف:** کنایه در نجم قرن الشیطان (= هروقت که شاخ شیطان ظاهر می‌شد)، مراد توطئه‌هایی است که از جانب دشمن صورت می‌گرفت.

**ب:** تشخیص (جاندار انگاری) در قرن الشیطان = شیطان حیوانی انگاشته شده که شاخ دارد.

دارد.

أوفغرت فاغره من المشرکین.

**الف** : اشتقاق میان فغرت و فاغره .

**ب** : کنایه در کل جمله (= هرگاه دهان بازکننده ای از مشرکین دهان باز می کرد) ، کنایه از ایجاد اغتشاش و ناآرامی از سوی دشمن است .

**ج** : تشبیه مضممر مشرکین به حیوان درنده که هنگام حمله دهان خویش را باز می کنند . قذف اخاه فی لهواتها.

کنایه در لهواه (= ج لهاه ، ته حلقوم و دهان) اینجا کنایه است از مرکز دشمن و وسط معرکه جنگ .

فلا ینکفی حتی یطأ صماخها بأخمصه.

**الف** : اشتقاق میان صماخ و اخمصه.

**ب** : کنایه در یطأ صماخها (= سوراخ گوش و خود گوش) ، کنایه از نابود کردن و از بین بردن است . یطأ صماخها یعنی گوش آنها را زیر پای خود له می کرد . و یخمد لهبها بسیفه .

کنایه در کل جمله (= شعله آتش آنان را با شمشیر خاموش می کرد) ، کنایه از پیروزی کامل بردشمن و به پایان رسانیدن کار است .  
... مشمراً ناحصاً مجدداً کادحاً .

**الف** : سجع در ناصح و کادح.

**ب** : کنایه در مشمراً (= پیراهن را از ساق پا بالا زده) که کنایه از آمادگی کامل و مصمم بودن برای خدمتگزاری است .

و ... تتوکفون الاخبار .

و تنکصون عند النزال

و تفرون من القتال .

**الف** : مماثله و موازنه در میان اخبار و انزال و قتال و نیز تتوکفون و تنکصون و تفرون .

**ب** : تناسب بین قتال و نزال و نیز تنکصون و تتوکفون .

**ج** : واج آرایبی " ن " ، " ت " .

فلما اختار الله لنبیه دار انبیائه و مأوی اصفیائه .

**الف** : سجع میان انبیائه و اصفیائه .

**ب** : استعاره در دار انبیاء و مأوی اصفیاء (استعاره از بهشت ، ملکوت اعلی) .

ظهر فیکم حسیکه النفاق .

تشبیه بلیغ در حسیکه النفاق (= خارهای دورویی) نفاق به خارهایی تشبیه شده است که

براهل حق و حقیقت فرود می آید .

و سمل فاصله جلاباب الدین.

تشبیه بلیغ در جلاباب الدین، دین به جلاباب (= چادر، لباس و عبایی) تشبیه شده که کهنه و پوسیده شده است؛ یعنی معنویت از بین رفت.

و نطق کاظم الغاوین و نبغ حامل الاقلین.

ترصیح در جمله: میان نطق و نبغ، کاظم و حامل، غاوین و اقلین.

و اطلع الشیطان رأسه من مغرزه.

تشخیص، (جاندار انگاری) شیطان که سرش را از مخفیگاهش بیرون می‌کند.

فألفاکم لدعوته به مستجیبین.

استعاره تبعیه در فالفاکم ... (شیطان دریافت که شما دعوت او را استجابت می‌کنید.)

که عمل انسانی را به شیطان نسبت می‌دهد.

ثم استنهضکم، فوجدکم خفافاً.

استعاره تبعیه در هر دو فعل (شیطان از شما خواست که برخیزید، پس دریافت که شما آدم‌های سبکی هستید).

... فوسمتم غیر ابلکم

کنایه در جمله: (پس مشغول داغ کردن غیر شترهای خود شدید)، کنایه از این است که از حد خود تجاوز کرده و به حریم دیگران وارد شدید.

و وردتم غیر مشربکم ...

کنایه در جمله (= و در غیر محل شرب خود، چشمه، وارد شدید)، کنایه از اینکه از حد خود تجاوز کردید؛ به حدود و حریم ولایت و امامت که به شما اختصاص نداشت، وارد شدید.

... هذا و العهد قریب و الکلم رحیب.

ترصیح در جمله میان عهد و کلم و قریب و رحیب.

... وأن جهنّم لمحیطة بالكافرین.

تضمین و اقتباس آیه شریفه (= همانا جهنم بر کافران احاطه دارد) سوره توبه / ۴۹.

و ... کتاب الله بین اظهرکم

کنایه در جمله (... و کتاب خدا بین پشت‌های شما بود)، کنایه از اینکه در میان شما بود، نزد شما گرانبهاترین و عزیزترین بود.

اموره ظاهره، و احکامه زاهره

و اعلامه باهره و زواجره لائحہ و اوامرہ واضحہ.

**الف:** ترصیح در کل جمله میان ظاهره و زاهره و باهره و لائحه و واضحه و نیز احکامه ، اعلامه و اوامر و زواجره.

**ب:** جناس<sup>۱۷</sup> لفظ میان ظاهره و زاهره (جلال الدین همانی ، همان، ص ۵۷).

**ج:** مجاز در اعلامه (ج علم = علامت ، نشانه ) مجاز از تعالیم قرآن است که آن را به اعلام تشبیه کرده است .

قد خلفتموه وراء ظهورکم.

کنایه در جمله (و شما قرآن را پشت سرتان نهادید )، کنایه از بی اعتنائی کردن به قرآن و عدم اطاعت از فرمان های قرآن .

... بس للظالمین بدلاً .

اقتباس از آیه شریفه کهف / ۵۰ .

... ثم لم تلبثوا الا ریث ان تسکن نفرتها و یسلس قیادها .

استعاره مکنبه<sup>۱۸</sup> در نفرتها (چموشی خلافت ) خلافت به شتر چموشی تشبیه شده که آن را رام کردند و نیز استعاره مکنبه در قیادها (افسار خلافت ) که خلافت به شتری تشبیه شده است که افسار دارد و رام کردنی است .

کنایه در جمله: کنایه از فتنه خلافت و قضیه سقیفه بنی ساعده است .

ثم اخذتم توروب و قدتها و تهیجون جمرتها .

تشبیه بلیغ در وقدتها ( شعله خلافت ) خلافت را به آتشی تشبیه کرده که به اطراف نیز سرایت می کند. تشبیه بلیغ در جمرتها (ذغال یا قطعه شعله ور شده خلافت ) و تهیجون جمرتها یعنی آتش آن را به جاهای دیگر هم سرایت می دهید .

کنایه : در هر دو جمله ، کنایه از جریان سقیفه و تصدی خلافت و سپس غضب فدک است .

حضرت جریان سقیفه و ماجرای پس از آن را به آتشی که اول آتش گیرانه اش را روشن می کنند و بعد آن را شعله ور می کنند و به جاهای دیگر بسط می دهند، (غضب فدک ) تشبیه کرده اند .

... تشریون حسوا فی ارتغاء .

**الف:** ارسال مثل در جمله : " تشریون حسوا فی ارتغاء " مثلی است در عرب (= ظرف شیری را که بالای آن سرشیر است ، در ظاهر نشان دهد که سرشیر را می خورد ، ولی در واقع خود شیر را می خورد ) . این مثلی است برای کسی که مشغول عملی باشد که به ظاهر به سود کسی دیگری است، اما در واقع به مصلحت خودش باشد.



**ب :** کنایه : جمله کنایه است؛ یعنی به نام اسلام اما برای حفظ قدرت و بقای خویش خلافت را به دست گرفتند .  
... و تمشون لاهله و ولده فی الخمره و الضراء .

کنایه در خمره (بیشه زارها) و درضراء (صحرا و گودال های صحرا) . یعنی در پوشش درخت ها و بیشه زارها و نیز در میان صحرا و پستی های و بلندی های آن علیه اهل بیت و فرزندان پیامبر گام برمی دارید که کنایه از علنی و مخفی بودن دشمنی ها علیه خاندان و اهل بیت است .

و نصبر منکم علی مثل حز المدی

و وخز السنان فی الحشاء.

الف : سجع میان حشا و مدی.

**ب :** تشبیه تمثیلی<sup>۱۹</sup> در نصبر منکم ... ( و ما صبر می کنیم در آنچه از ناحیه شما بر ما می رود که مثل بریدن کاردهاست دل و جگر ما را ) .

**ج :** نیز تشبیه مرکب در وخز السنان فی الحشاء (= و مانند فرو رفتن سرنیزه در درون انسان ) یعنی این ظلم و عداوت شما چونان کارد تیزی است که براندام ما فرود می آید و نیز چونان نیزه ای است که درون ما را می شکافد ( ما به خاطر مصالح اسلام بر این ظلم ، صبر می کنیم ) .

... افحکم الجاهلیه تبغون و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون ، افلا تعلمون .

اقتباس از آیه شریفه سوره مائده / ۵۰

بلی قد تجلی لکم کالشمس الضاحیه انی ابنته .

تشبیه مرسل مفصل<sup>۲۰</sup> ( برای شما آشکار است چون خورشید نوردهنده اینکه من دختر پیامبر هستم )، یعنی اینکه من دختریامبر هستم، چون خورشید درخشان است از جهت روشنی و آشکاری .

... اذ یقول : و ورث سلیمان داود .

تضمین آیه مبارکه نمل / ۱۶ .

و اذ قال : فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب .

تضمین آیه شریفه مریم / ۵ و ۶ .

وقال : واولوا الارحام بعضهم اولی بیعض فی کتاب الله.

تضمین آیه شریفه انفال / ۷۵ .

... افخصکم الله بآیه أخرج ابی منها ؟ !

استفهام انکاری: (یعنی آیا خداوند یک آیه ای را به شما اختصاص داده و پدرم محمد صلی الله علیه و اله و سلم) را از آن خارج کرده است؟ یعنی حتماً چنین نیست. مفاد این جمله مبنی بر استبعاد و متعذر بودن است.

... ام هل تقولون ان اهل الملتین لا يتوارثان؟

استفهام به منظور طنز و مسخره و تحقیر (یا این که می گوید اهل دولت و آیین از یکدیگر ارث نمی برند). یعنی این که دین من از دین پدرم جداست؟ در علم معانی بحثی است که در آن از مقاصد مختلف جملات پرسشی بحث می کند، یعنی اینکه گاهی برای تاثیر کلام به جای سایر انواع جمله، از جمله پرسشی استفاده می کنند و در اینگونه جملات مقصود پرسش مجازی است نه حقیقی.

أولست أنا و أبي من أهل مله واحده؟

استفهام در اینجا نیز به منظور تحقیر و یا به منظور توبيخ و ملامت مخاطب است.

ام أنتم أعلم بخصوص القرآن و عمومه من أبي و ابن عمی؟

اینجا نیز استفهام می تواند انکاری باشد و یا برای تحقیر و یا توبيخ مخاطب.

لازم به ذکر است تمامی جملات پرسشی حضرت در این بخش، از قسم سوال نیستند، بلکه یا برای تأکید مطلب خویش، یا تقریر در ذهن مخاطب، یا به جهت تحقیر و تمسخر مخاطب یا بیان تعصب و حیرت و یا توبيخ و ملامت مخاطب است که همه در زمره سؤال غیر ایجابی هستند، یعنی سؤالی که جواب نمی خواهد و انتظار پاسخ نمی رود، چرا که یقینی و بدیهی است. به اینگونه سؤالات که در ادبیات رایج است، سؤال بلاغی (Rhetoric question) می گویند. در سؤال بلاغی انتقال پیام به طرز غیر مستقیم و مؤثرتر است.

... فدونکها مخطومه مرحوله تلقاک یوم حشرک.

تشبیه در فدونکها مخطومه ... (=) پس بگیر این را (فدک) در حالی که افسار آن به دست است و جهاز آن آماده است تا در روز حشر تورا ملاقات نماید. حضرت فدک را به شتر افسار کرده و دارای جهاز آماده تشبیه کرده اند که آماده سواری دادن است.

کنایه در جمله: ... کنایه است از استفاده بدون زحمت از حاصل دسترنج دیگران.

این جمله از دیدگاه علم معانی نیز قابل بحث است. دونک اسم فعل است و معنای امر همراه با تهدید را دارد، یعنی "خذ" و تهدید دیگر در عبارت "تلقاک یوم حشرک" است، یعنی بدان، آماده باش که در روز حشر باید جوابگو باشی، چنانکه در جمله بعد می فرماید:

فنعلم الحکم الله و الغریم محمد (صلی الله علیه و آل و سلم).

پس خدا داور خوبی است و طلبکار در آن روز حضرت محمد (صلی الله علیه وآل و سلم) است .

... و عند الساعة يخسر المبطلون

تلمیح به آیه شریفه: " و لله ملك السموات و الارض و يوم تقوم الساعة يومئذ يخسر لمبطلون " جائیه / ۲۷ .

... و لكل نأ مستقّر و سوف تعلمون.

تضمین آیه شریفه سوره انعام / ۶۸ .

فسوف تعلمون من یاتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم .

تضمین آیه شریفه هود / ۳۹ .

این آیه در واقع مربوط به قوم نوح (علیه السلام) است که مفسرین گفته اند منظور از " عذاب یخزیه " همان عذاب دنیوی و غرق شدن قوم نوح است و قسمت دوم آیه: یحلّ علیه عذاب مقیم، مراد عذاب قیامت است . شاید مناسبت تشبیه اصحاب سقیفه به قوم نوح این باشد که همان گونه که قوم نوح گرفتار عذاب دنیوی و اخروی شدند، آنان نیز علاوه بر عذاب اخروی در دنیا نیز ذلت و مسکنت را به دنبال خواهند داشت . (منتظری ، ۱۳۷۴ ، ص ۱۲۱) .

یامعشر النقیبه و اعضاء المله.

**الف:** صنعت التفات: در " یا معشر النقیبه " که خطاب به گروه انصار است. (حضرت پس از توییخ ابوبکر متوجه انصار می شوند).

**ب:** مجاز در اعضاء (= بازوان ، جمع عضد) به علاقه سببیت ، زیرا بازو وسیله قدرت انسان است .

... ما هذه الغمیزه فی حقی ؟

و السنّه عن ظلامتی ؟

**الف:** استفهام مفید توییخ و سرزنش در هر دو جمله (یعنی چیست این ضعف شما نسبت به من و چرا از ظلمی که به من وارد شده، در چرت و خواب هستید ؟)

**ب:** کنایه در عبارت دوم ، در خواب بودن ، کنایه از عدم پشتیبانی و بی توجهی مردم نسبت به حضرت است .

... سرعان ما احدثم

و عجلان ذا اهاله .

**الف:** مماثله و موازنه در سرعان و عجلان .

**ب :** تمثیل یا ارسال مثل در عجلان ذا اهااله (= چه سریع چربی های شما از دماغتان خارج شد؟) اهااله، پیه و مانند آن است که ذوب می شود و این مثلی است که در معنای تعجب است برای هر چیزی که سریع انجام شود یا هر کسی که سریع تغییر موضع دهد. " پس اصل این ضرب المثل این است که مردی میش لاغری داشت که آب بینی او از سوراخ های بینی او روان می شد. از او سوال شد که چرا چنین است؟ گفت: این چربی اوست که از بینی اش بیرون آمده. پس سوال کننده گفت که: عجلان ذا اهااله. (شرح قاموس. ج ۱، ۵۹۷) چاپ سنگی به نقل از سید عزالدین زنجانی، پیشین، ص ۲۳۶).

و لکم طاقه بما أحاول

وقوه علی ما اکلب و أزاول.

الف: سجج در أحاول و أزاول.

ب: تناسب میان طاقت و قوه.

... و اظلمت الارض لغیبه

و کسفت النجوم لمصیبه.

الف: سجج میان غیبت و مصیبت.

**ب :** تناسب میان ارض و نجوم و نیز اظلمت و کسفت (تاریک شدن و گرفته شدن).

**ج :** کنایه در هردو جمله (یعنی با رحلت پیامبر، عالم نیز تاریک و ظلمانی شد).

**د :** تشبیه مضمیر پیامبر به خورشید که با غیبت ایشان زمین دچار ظلمت شده است.

... و خشعت الجبال

کنایه از سستی و وضعفی که افراد نشان دادند (خاشع شدن کوه ها) اشاره به شدت مصیبت رحلت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و سستی ای که انصار- افرادی که در گذشته همچون کوه در مقابل مشکلات و حوادث ایستاده بودند - از خود نشان دادند، دارد

... أعلن بها کتاب الله جل ثناوه فی أفنیتکم ..

فی ممساکم و مصبحکم، هتافاً و صراحاً و تلاوه و الحاناً.

**الف :** کنایه در أفنیتکم (جلو خانه های شما) یعنی این مصیبت را کتاب خدا در جلو

خانه های شما اعلان کرد. کنایه از اینکه قرآن را جلو چشم شما اعلان نموده است.

استفهام تقریری (و قبل از این چه گذشته است بر پیامبران خدا و رسولانش؟!)

می فرماید که مگر نه این بود که همه ایشان قبض روح شدند. در استفهام تقریری که از

مباحث علم معانی است، گوینده برای تقریر و اثبات مطلب در ذهن مخاطب، جمله خبری را به صورت پرسشی بیان می‌کند که این نوع پرسش نیز در حکم سوال بلاغی است. ... ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل ...

تضمین آیه شریفه آل عمران / ۱۴۴.

ایها بنی قیله!

مجاز در قیله (ای فرزندان قیله) قیله نام زنی بوده است که نسل طایفه "اوس" و "خزرج" به او می‌رسیده است. حضرت در اینجا خطاب به انصار می‌فرماید: خیلی دور است از شما ای پسران قیله! که مجاز به علاقه ماکان به کار برده اند.

تلبسکم الدعوه و تشملکم الخبره.

**الف:** کنایه در هر دو جمله (= زیر پوشش دعوت من قرار می‌گیرید و زیر چادر خبرهای من هستید)، کنایه از اینکه شما خبر دارید و می‌دانید چه ظلم‌هایی به ما شده است و چه حرمت‌شکنی‌هایی صورت گرفته است.

و ترصیع میان دعوه و خبره و و تشملکم و تلبسکم.

وانتم ذوو العدد والاداه والقوه و عندکم السلاح والجنه.

**الف:** تناسب و مراعات النظیر میان عدد و عده و ادات و قوه.

**ب:** سجع میان قوه و جنه.

توافیکم الدعوه، فلا تجیبون

و تأتیکم الصرغه فلا تغیثون.

**الف:** ترصیع در میان اجزاء دو عبارت. اجزاء دو عبارت با یکدیگر دارای سجع متوازن هستند.

**ب:** واج آرایی "ت" در توافیکم، تجیبون، تأتیکم، تغیثون، که به موزونیت کلام افزوده است.

ناطحتم الامم و کافهتم البهم.

**الف:** ترصیع در جمله.

**ب:** واج آرایی "م".

**ج:** کنایه در ناطحتم (ناطح = شاخ زدن) کنایه از مبارزه کردن است.

... حتی اذا دارات بنا رحی الاسلام و درحلب الایام.

**الف:** تشبیه بلیغ در رحی الاسلام (= تا اینکه به سبب ما سنگ آسیای اسلام به گردش درآمد)، اسلام به سنگ آسیاب تشبیه شده است که به واسطه وجود خاندان می‌چرخد.

**ب :** استعاره مکنیه در حلب الایام (= شیرجوشان روزگار جاری شد )، یعنی خیر و برکات روزگار جاری شد. ایام به حیوان شیردهی تشبیه شده است که خود آن حیوان در کلام ذکر نشده، اما از ملائمت آن که همانا شیردهی است، ذکر شده است.

**ج :** سجع میان اسلام و ایام.

و خضعت ثغره الشرك و سكنت فوره الافک .

**الف :** استعاره مکنیه یا تشخیص در شرك . (= فریاد نعره شرك خاموش شد). شرك به انسان یا حیوانی تشبیه شده است که در کلام ذکر نشده، اما فریاد زدن و نعره کشیدن که از ملائمت آن است، در کلام ذکر شده است. یعنی مشرکین خاضع شدند و تسلیم گشتند.

**ب :** استعاره مصرحه مرشحه در افک . ( و فوران طغیان و دروغ ساکن شد. دروغ از جوشش افتاد. ) در اینجا افک به آتشفشان یا آتش شعله وری تشبیه شده است که فوران و طغیان آن ساکن شده است .

**ج :** ترصیع در عبارت های قرینه " خضعت و سکت " ، " ثغره و فوره " ، " شرك و افک " .

و خدمت نیران الکفر و هدأت دعوه الهرج .

**الف :** تشبیه بلیغ در نیران الکفر (= آتش های کفر خاموش شد )، کفر به آتش تشبیه شده است . کنایه از تسلیم مشرکین و کافرین در مقابل اسلام است .

**ب :** تشبیه بلیغ در دعوه الهرج (= موج فتنه آرام گرفت ). فتنه به دریایی یا جریانی تند تشبیه شده است که موج متلاطم دارد و در اینجا مراد از موج فتنه ، شورش و هرج و مرج فتنه گران است که به سبب فداکاری خاندان و شیعیان ایشان سرکوب شده است .

**ج :** تناسب میان خدمت و هدأت .

... واسررتم بعدالاعلان ؟ ... و اشركتم بعد الایمان ؟

**الف :** تضاد میان اسررتم و اعلان (پنهان کردن و آشکار ساختن ) و نیز میان اشركتم و ایمان (مشرک شدن و ایمان آوردن) .

**ب :** ترصیع میان اجزای دو عبارت.

**ج :** استفهام برای بیان منافات و استبعاد، یعنی چگونه ممکن است چنین باشد.

... فمجمعتم ما و عیتم و دسعتم الذی تسوغتم .

**الف :** کنایه در هردو جمله (= آنچه را درون خود جمع کرده بودید، به هوا پرتاب کردید و آنچه را خورده بودید، بالا آوردید) . مراد از کلام حضرت بیان نوعی ارتداد است . یعنی آن ایمان و حقیقت گوارایی را که کسب کرده بودید، دفع کردید و به عقب برگشتید .

**ب:** نوعی تشبیه مضمردر " دسستم " ... حضرت در این کلام مردم را به حیواناتی تشبیه کرده اند که آنچه را که خورده اند از حلقومشان بالا می آورند و داخل در دهانشان می شود.

... و خور القناه .

کنایه در خور القناه (... و این سخنان گله آمیز من به خاطر کند شدن و از کار افتادن سرنیزه است ) . کنایه از اینکه ناشی از ضعف و کم حوصلگی است . بی تابی از ناحیه این همه ظلم و ستمی است که بر من رفته است ؛ زیرا وقتی سرنیزه کند شود، از کار می افتد .

... فدونکموها ، فاحتقبوها ، دبره الظهر، نعبه الخف باقیه العار ..

**الف:** تشخیص در فاحتقبوها و ... (طناب و جهاز آن را یعنی فدک یا خلافت را محکم ببندید) ها در فدونکموها و فاحتقبوها به فدک باز می گردد. یعنی فدک به شتری تشبیه شده است - آنچنان که در ابتدای خطبه آمده بود - که جهاز آن را آماده کرده و بسته اند .

**ب:** کنایه در دبره الظهر ( پشت این شتر مجروح است )، کنایه از اینکه خیلی هم سواری گرفتن از این شتر خلافت و یافدک آن گونه که فکر می کنید، بی عیب و نقص نیست و به شما سواری نخواهد داد .

نیز کنایه در نعبه الخف (پای آن ضعیف و سست است ) . مراد اینکه این شتر ضعیف است . شتر فدک یا خلافت شتر همواری نیست که هیچ عیب و نقصی نداشته باشد و شما به راحتی از آن بهره برداری کنید .

... موصوله بنار الله الموقده التي تطلع علی الافئده .

تضمن آیه شریفه همزه / ۷ .

... فاعملوا انا عاملون و انتظروا انا منتظرون ...

اقتباس از آیات شریفه هود / ۱۲۱ و ۱۲۲ .

این آیات در مقام تهدید و اخطار استعمال شده است . در حقیقت حضرت می خواهند به مردم آن زمان بفرمایند که هر چه می خواهید انجام دهید؛ اما بدانید که روز قیامت باید پاسخگوی این اعمالتان باشید و بهره گیری حضرت از کلام الهی سخن ایشان را مؤثرتر و مؤکدتر ساخته است .

طبق اسناد مختلفی که خطبه فدک را نقل کرده اند، در این قسمت ابوبکر در مقام پاسخگویی به اظهارات کوبنده حضرت بر می آید و سپس، حضرت فاطمه - سلام الله علیها - دلایل سست و ضعیف او را با براهین و ادله قاطع رد می کنند و از آیات الهی در جهت اثبات ادعای خود مدد می جویند و شبهات ابوبکر را در باب رد ادعای میراث

حضرت با پشتوانه محکم آیات الهی بر ملا و زایل و توجیهاات وی را باطل می نمایند . به دنبال آن ابوبکر با نوعی زرنگی و سیاست پیشگی و نفاق با پاسخگویی به بیانات حضرت به تبرئه خود می پردازد و سخنانی درمدح و تعریف حضرت اظهار می دارد و وانمود می کند که جریان غضب فدک به اجماع مسلمین بوده است و این غضب مورد تائید مردم است . حضرت پس از این عوام فریبی ابوبکر در به میان آوردن مردم دراین ماجرا ، مجدداً روی سخن خود را جهت اتمام حجت به مردم می نمایند و آنان را مورد خطاب قرار می دهند:

... المسرعه السی قیل الباطل

المغضیه علی الفعل القبیح الخاسر.

**الف :** موازنه و مماثله درجملات میان المسرعه و المغضیه ، باطل و خاسر.

**ب :** جناس لفظ میان الی و علی .

افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها.

تضمین آیه شریفه محمد / ۲۴.

... فاخذ بسمعکم و ابصارکم.

**الف :** تناسب میان سمع و ابصار.

**ب :** کنایه در جمله (این اعمال چشم و گوشتان را پوشانده )، کنایه از نادیده گرفتن

حقیقت و توجیه کردن اعمال زشت است .

... محمله ثقیلاً و غبّه و بیلاً .

**الف :** کنایه در محمله ثقیلاً ( حمل آن را سنگین خواهید یافت ) که مراد وزر و وبال

و بار گناهی است که در اثر غضب فدک و نادیده گرفتن حق حضرت دامنگیر غاصبان

خواهد شد .

**ب :** مجاز در محمله (= بار آن ) مجاز به علاقة سیبیت.

**ج :** سجع میان ثقیل و و بیل.

إذا کشف لکم الغطاء .

**الف :** استعاره مرکب در اذا کشف لکم الغطاء ( زمانی که پرده ها کنار روند ) که مراد

روز قیامت است .

**ب :** اقتباس از آیه شریفه " لقد کنت فی غفلةٍ من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک

الیوم حدید " ق / ۲۲.

... و حشر هنالک المبطلون .

تضمین آیه شریفه غافر / ۷۸.



سپس حضرت رو به مزار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌نماید و ابیاتی را از سوز دل می‌سرایند:

... انا فقد ناکت فقد الارض وابلها واختل قومک فاشهدهم و لا تغب  
تشبیه تمثیلی در بیت (= ما تورا ای پیامبر از دست دادیم همان گونه که زمین، باران  
سرشار خود را از دست می‌دهد). گویی که وجود تو برای حیات ما آنگونه ضروری بود  
که باران برای زمین.

... و کنت بدراً و نورا يستضاء به علیک ينزل من ذی العزه الکتب  
تشبیه موکد مفصل در مصرع اول: (و شما ماه درخشان و نوری بودید که همه از شما  
نورانی می‌شدند) پیامبر به ماه درخشان و نوری که دیگران از ایشان کسب نور می‌کردند،  
تشبیه شده‌اند.

از آنجا که اسنادی که خطبه فدک را روایت کرده‌اند، در پایان این خطابه، سخنان  
حضرتش را خطاب به حضرت علی - علیه السلام - در بازگشت به منزل نیز نقل کرده‌اند  
و نیز از آنجا که این سخنان مشتمل بر وجوه بلاغی و معانی و بیانی بسیار است، این بخش  
از گفتار حضرت که در ادامه خطبه ذکر شده، نیز از نظر بلاغی و زیبایی شناسی سخن مورد  
بررسی قرار می‌گیرد.

وقتی حضرت در خانه قرار گرفتند، خطاب به امیر المومنین می‌فرمایند:

یابن ابی طالب! اشملت شمله الجنین و قعدت حجره الظنن؟

**الف:** اشتقاق میان اشملت و شمله.

**ب:** تشبیه مرکب در هردو جمله (اشملت، شمله الجنین = آیا مانند کودکی که  
جنین است پرده پوشیده‌ای؟) و (قعدت حجره الظنن = همانند افراد متهم به گوشه‌ای  
نشسته‌ای).

**ج:** تصریح در میان اجزای کلام که جزء به جزء با یکدیگر جناس متوازن دارند.

نقضت قادمه الاجدل فخانک ریش الاعزل.

**الف:** استعاره مصرحه در "قادمه الاجدل" (تو کسی بودی که بال‌های باز شکاری را  
درهم کوبیدی). استعاره مصرحه از شجاعان عرب و نیز در "ریش الاعزل" (= اینک از  
مرغان بی پروا ناتوان مانده‌ای؟) ریش الاعزل استعاره از ابوبکر و عمر است.

**ب:** سجع میان أجدل و أعزل.

... خرجت کاظمه و عدت راغمه.

**الف:** تضاد میان خرجت و عدت (رفتیم و بازگشتم).

**ب:** موازنه و مماثله در جمله میان خرجت و عدت، کاظمه و راغمه.

اضرعت خدك يوم أضعته خدك ...

**الف:** تشخیص یا فورگراندینگ Fore gronding در " اضرعت خدك " ( = صورت خود را ذلیل نمودی؛ معنی جمله آن است که از روزی که تندی شمشیرت را از بین بردی ، صورت خود را ذلیل نمودی )، کنایه از اینکه از روزی که بنا به مصالح اسلام شمشیر را کنار گذاشتی، تو را خانه نشین و ظاهرا ذلیل کردند .

**ب:** ترصیع در کل جمله .

افترست الذئاب و افترشت التراب.

**الف:** استعاره مصرحه در الذئاب ( = روزی گرگ ها را می دریدی ) گرگ ها استعاره مصرحه از دشمنان اسلام و غاصبان خلافت است .

**ب:** کنایه در افترشت التراب ( و امروز خاک را فرش خود قرار داده ای ) کنایه از گوشه نشینی و عزلت .

**ج:** ترصیع در کل جمله .

**د:** جناس خط میان افترست و افترشت .

### ۳- نتیجه

همانگونه که ضمن بررسی کلام حضرت و نمودن آرایه های لفظی و معنوی خطبه فدك ملحوظ شد، سخنان حضرت سرشار از نکات ظریف و رموز و دقایق بلاغی اعم از بیانی ، بدیعی و معانی است که علاوه بر موزونیت و آهنگین کردن کلام از طریق موسیقی درونی - ایجاد سجع ها ، موازنه و مماثله ، ترصیع ، جناس و واج آرایبی - متضمن استشهادات ، تلمیحات و تضمینات بسیار به آیات کریم - که موجب اثبات و تقریر سخن در جان و ذهن مخاطب است - و نیز برخوردار از کنایات، تشبیهات ، استعارات و تمثیلات - که باعث نفوذ و تاثیر و بلاغت بیشتر کلام است - می باشد و این همه به علاوه استفاده از لغات گوناگون - با ظرافت معنایی مختلف - کلام حضرت را تالی تلو کلام الهی و از گونه سخنان مقدسین ساخته است .

ذکر این نکته ضروری است که حضرت چنین سخنانی را بدون مقدمه و ذهنیت قبلی و به اصطلاح بالبداهه ایراد فرموده اند . شگفتی نیز در همین است که ایراد چنین سخنان ادیبانه ای مستلزم تکرار و تمرین و ممارست بر علوم و لغت و ... است که نه در هیچ یک از کتب سنن و سیره ذکری از آن به میان آمده و نه حضرتش را نیازی بدان است . زیرا که حضرت خود کوثر زاینده و چشمه جوشان حقایق و معارف عالیة الهی است و علاوه بر آن که پرورده دامن وحی

است ، چشمه قیاضی است که تاریخ باید از مکتب او استفاضه نماید . اما اینکه چگونه این کلام در بار و سخنان مؤثر و دم آتشین حضرت در آهن سرد مردمان آن روزگار موثر نمی افتد، خود سخن دیگری است که از حوصله این مقال خارج است . کوتاه سخن اینکه این بررسی ، نگرشی تازه از سنخ دیگری است نسبت به خطابه فاطمه - سلام الله علیها - که امید است مرضی حضرتش و نیز مقبول نظر سخن شناسان نکته بین قرار گرفته ، آیندگان این دیدگاه را نیز ملحوظ نظر قرار دهند که خود بیانگر یکی از زوایای شخصیت حضرت فاطمه به عنوان الگوی خطابت و بلاغت است و خود به عنوان خطیبی ماهر و سخنوری مبرز بر تارک گویندگان تاریخ اسلام می درخشد .

و خاتمه سخن اینکه هدف این بررسی نمایاندن وجوه بلاغی کلام فاطمه - سلام الله علیها - در خطبه فدک است ؛ لهذا بخش هایی از خطبه که تقریباً تمامی خطبه فدک را شامل می شود - ملحوظ قرار گرفته و از ذکر خطبه کامل صرف نظر شده است . ارجوا که اهل قلم و قدم از این مجمل خود مفصل را بخوانند.

## یادداشت ها

- ۱- " نحلہ " برگرفته از خطبه حضرت - سلام الله علیها - است که خطاب به ابوبکر می فرماید : فدک نحلہ ابی (بخشش پدرم است ) و " کوثر " اشاره دارد به سوره مبارکه کوثر که در شأن حضرتش نازل شد .
- ۲- گفتگو با ملک اگر شنیدن با گوش باشد، از مختصات ائمه و اولیاء است و اگر ملک مشاهده شود، آن را وحی گویند که ویژه پیامبران است .
- ۳- سجع آن است که کلمات آخر قرینه ها ، در وزن یا حرف روی یا هردو موافق باشند و بر سه قسم است متوازی ، مطرف ، متوازن .
- ۴- تلمیح در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثل یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.
- ۵- موازنه و مماثله نوعی از سجع متوازن است که مخصوص به نثر و اواخر قرینه ها نباشد ...
- ۶- مراعات النظیر آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند، خواه از جهت همجنس بودن باشد یا از جهت مشابهت و ملازمت و ...
- ۷- ترصیح در اصطلاح بدیع آن است که در قرینه های نظم یا نثر هر لفظی با قرینه خود در وزن و حرف روی مطابق باشد ...

- ۸- اشتقاق آن است که در نظم یا نثر الفاظی را بیاورند که حروف آنها متجانس باشد، خواه از یک ریشه مشتق شده باشند یا از یک ماده مشتق نباشند .
- ۹- التفات درسخن از غیبت به خطاب رفتن و یا از خطاب به غیبت منتقل شدن است .
- ۱۰- مجاز ، به کاربردن کلمه است در غیر معنای ما وضع له به علاقه ای ، (جلال الدین همایی ، ۱۳۴۵ ، ص ۲۹۳).
- ۱۱- تشخیص : انسانواری یا استعاره انسان مدار یا جاندار پنداری است ، یعنی برای آنچه غیر انسان است شخصیت انسانی قائل شده و خصوصیات انسانی را به آن نسبت دهیم . (شمیسا ، ۱۳۷۵ ، ص ۶۴).
- ۱۲- تضمین آن است که عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی و بی هیچ گونه تغییر و دگرگونی در اثنای کلام جای دهند (راستگو ، ۱۳۷۶ ، ص ۳۰).
- ۱۳- تکرار و اسهاب از دیدگاه علم معانی پسندیده نیست، مگر برای تاکید و یا اغراء و تخدیر .
- ۱۴- کنایه : در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است، اما در علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده معنی غیر حقیقی آن ، به صورتی که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد. (علوی مقدم، اشرف زاده ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۳۳).
- ۱۵- ارسال مثل یا تمثیل آن است که در حین کلام مثل یا شبه مثلی را که متضمن مطلبی است، بیاورند که باعث تقویت و ارایش سخن می شود . (همان ، ص ۲۹۹).
- ۱۶- تشبیه بلیغ همان اضافه تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه به به هم اضافه شده باشند که در علم بیان هم مجمل است و هم مؤکد و عالی ترین نوع تشبیه است . (شمیسا ، همان ، ص ۴۵).
- ۱۷- جناس لفظ آن است که کلمات متجانس در تلفظ یکی و در کتابت مختلف باشند (همایی ، ص ۵۷).
- ۱۸- استعاره مکنیه : در این استعاره مشبه را ذکر می کنند و آن را در ضمیر به جاندار تشبیه می کنند و یکی از صفات یا ملائمت آن را در کلام ذکر می کنند. . (پیشین ، ص ۶۲).
- ۱۹- تشبیه تمثیلی : تشبیهی را که وجه شبه آن مرکب باشد و مشبه به جنبه مثل یا حکایت داشته باشد، تمثیلی گویند . در این نوع تشبیه ، مشبه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه مرکب و محسوس ذکر می شود . . (همان ، ص ۴۴).
- ۲۰- تشبیهی را مرسل و مفصل می گویند که هر چهار رکن تشبیه در آن ذکر شده باشد . (همان ، ص ۳۴).

### کتابنامه

۱. قرآن (۱۳۷۷) بر اساس ترجمه محمد مهدی فولادوند ، قم ، انتشارات دارالقرآن کریم .
۲. حسینی زنجانی ، سید عزالدین ، ۱۳۷۵ ، شرح خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) ، دفتر تبلیغات اسلامی .
۳. راستگو ، سید محمد ، ۱۳۷۶ ، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی ، تهران ، سمت .

۴. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (۱۳۹۵ هـ): به تصحیح: دکتر صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت.
۵. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۳، کلیات سبک شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
۶. ——— بیان و معانی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
۷. صائب تبریزی، میرزا محمد علی، ۱۳۶۱، کلیات دیوان اشعار، محمد عباسی، چاپ اول، تهران، نشر طلوع.
۸. علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، ۱۳۷۶، معانی و بیان، تهران، سمت.
۹. مدرس وحید، احمد، ۱۳۴۸، شرح خطبه حضرت فاطمه، آذربایجان شرقی، انتشارات محمدی علمیه.
۱۰. منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۴، شرح خطبه حضرت فاطمه زهرا، دفتر آیت الله منتظری، چاپ دوم.
۱۱. همایی، جلال الدین، ۱۳۴۵، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.

